



روسیه چه

اصراری

دارد

که ما را بزور

در دامان آمریکا

بیندازد^(۱)

یادداشتی را که اتحاد جماهیر شوروی بایران داده است هر کس بخواند و مأموریت تهیه مدرک و سند برای یکدولت مهاجم نداشته باشد میدانند که بکلی بی اساس و عاری از حقیقت است .

۱- این مقاله مربوط است به زمستان سال ۱۳۲۶ (به روزنامه کیهان شماره ۱۸ و

۱۹ و ۲۰ بهمن ۱۳۲۶ مراجعه شود .)

ما نه در سال ۱۹۴۷ قرارداد نظامی جدیدی با دولت امریکا بسته ایم نه يك شهر نظامی داریم نه فرودگاه عظیم نظامی در قم ساخته ایم نه در بین قم و دلیجان مخازن زیر زمینی برای ذخیره بنزین داریم و نه سایر موادی که دولت اتحاد جماهیر شوروی در یادداشت خود شمرده و مثل يك گناهی پای ما حساب کرده است .

تمام آنها دروغ است . اگر ماهم کرده بودیم هیچ دولت خارجی حق اعتراض نداشت چنانکه دولت اتحاد جماهیر شوروی تا کنون هر کاری در داخله خود کرده مورد اعتراض واقع نشده است .

میدانم این جمله بر طبع روسوفیلها گران خواهد آمد . ولی اگر مینای عمل بر استقلال ملل و تساوی حقوق باشد چه فرق میکند بین ما و اتحاد جماهیر شوروی ؟ اگر او با اعمال ما در داخله خود حق اعتراض دارد ماهم داریم اگر ما نداریم او هم ندارد . در حق که قوت و ضعف مناط اعتبار نیست و معنی ندارد که يك حق را قوی داشته باشد و ضعیف نداشته باشد .

ولی با اینحال ما هیچ يك از آنها را نکرده ایم و تمام آنها بهانه است برای اینکه بتواند پای ماده ۶ از قرارداد ۱۹۲۱ را بمیان بکشد ولی ارتباط این بهانه به قرارداد مزبور با اندازه ارتباط برج بمجمعه است که هر دو کنگره دارند یا ماست و دروازه است که هر دورا می بندند .

روزی که این قرارداد بسته شده است نه بخاطر اولیای امور ایران چنین چیزی خطور میکرد و نه بخاطر اولیای امور اتحاد جماهیر شوروی و مقصود از ماده ۶ قرارداد مزبور فقط این بوده است که اشخاصی مثل گلچاک و وانکل نتوانند ایران را مرکز تعلیمات نظامی قرار دهند و بمساعدت انگلیسها رژیم کمونسم را از روسیه براندازند .

این قرارداد وقتی بسته شده است که دولت اتحاد جماهیر شوروی را هیچ دولتی در دنیا نمیشناخته و بی اندازه احتیاج داشته است که یک دولتی در دنیا پیشقدم شود و او را بشناسد و اولین دولتی که این قدم را برداشته ایران بوده است .

طبیعی است که در يك چنین موقعی نه دولت اتحاد جماهیر شوروی قراردادی را پیشنهاد میکند که معنی اسارت ایران را بدهد و نه ایران چنین قرارداد را می پذیرد .

این قرارداد بمقصد استقلال کامل و تساوی دولتین در حقوق بوده و اگر مفهومش این باشد که یکی از این دو دولت بتواند در هر آن که بخواهد بهانه جوئی کند و بکشور دولت دیگر لشکر بکشد این چه استقلال و تساوی حقوق و آزادی کاملی است مگر اینکه این کلمه

اخیر را باین معنی تعبیر کنیم که روسیه آزادی کامل داشته باشد که هر وقت بخواهد ایران را تصرف کند .

ما غیر از این قرارداد قراردادهای دیگری هم با اتحاد جماهیر شوروی داریم و بقول آقای محیط طباطبائی این قرارداد غیر از ماده ۶ موادی دیگری هم دارد چرا اتحاد جماهیر شوروی تمام این مواد را فراموش کرده و بدم همین ماده ۶ چسبیده و هر روز بیبانه‌ئی آنرا بر رخ ما میکشد .

بعضی از مواد این قرارداد را که دولت اتحاد جماهیر شوروی فراموش کرده تاکنون نویسندگان ایرانی تذکر داده اند و دولت نیز در پاسخ یادداشت به بعضی از آنها اشاره کرده است .

بعضی از آنها را نیز تاکنون کسی منذکر نکرده و از آنجمله فصل بیستم راجع به حق ترانزیت است که ابتدا دولت اتحاد جماهیر شوروی بروی خود نیاورده و هر چه دولت کوشیده او را متقاعد سازد موفق نشده و علت اینکه مرحوم رضاشاه پهلوی ب فکر افتاد که بهر قیمتی هست زاه آهن سرتاسری بکشد این بود که دید ایران از طرف دریای قزوین یا بحر خزر نمیتواند بدنیا متصل باشد و ناچار باید ایران را از نقاط دیگر بدنیا متصل ساخت . علاوه بر این قرارداد ما قرارداد ۱۹۲۷ با اتحاد جماهیر شوروی داریم که هنوز بقوت خود باقی است و قرار داد ۱۹۲۱ را نیز تفسیر میکنند .

با اینکه قرارداد ۱۹۲۱ بقدری روشن است که مبنی بر آزادی کامل و خود مختاری مطلق و تساوی حقوق دولتین است و هیچیک از دو دولت حق هیچگونه مداخله‌ئی در امور دیگری ندارد مملکت قرار داد اول اکتبر ۱۹۲۷ که بموجب فصل اول مبتنی بر همان قرار داد ۱۹۲۱ است هر گونه پرده ابهام و غباری را که بتوان بر آن کشید پاره کرده و جای هیچ گونه مغالطه و بهانه جوئی باقی نمیگذارد .

فصل دوم - هر يك از طرفین متعهدتین متعهد میشود که از حمله و تجاوزات بطرف مقابل یا وارد کردن قوای مسلحه خود بخاک طرف مقابل خودداری بکند . در صورتی که یکی از طرفین متعهدتین مورد حمله يك یا چند دولت ثالث بشود طرف متعهد دیگر متعهد میشود که بیطرفی خود را در تمام مدت مخاصمه محفوظ بدارد .

ضمناً طرفی که مورد حمله واقع شده است نباید بر فرض هر قسم ملاحظات سوق - الجیشی و تاکتیکی و یا سیاسی که باشد هر نوع منافعی که برای او از آن متصور شود این بی طرفی را نقض نماید .

من کار ندارم که دولت اتحاد جماهیر شوروی تا چه اندازه این ماده را محترم شمرده

و آیا همکاری او با انگلیسها در حمله بایران نقض صریح این ماده بود یا خیر ولی میل دارم که اعمال تجزیه و اسارت ایران که جاسوسی و طلایه داری استعمار یکدولت قوی در يك کشور ضعیف را آزادی و روشن فکری و مرفقی گری لقب داده اند در جملات آخر این ماده دقت بفرمایند که راه هر گونه بهانه جوئی را برای حمله یکی از این دو دولت بدولت دیگر نیسته است .

فصل چهارم - نظر بتمهدهات مقرر در فصول ۴ و ۵ عهدنامه ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ چون هر يك از طرفین متعاهدتین قصد دارند در امور داخلی طرف متعاهد دیگر مداخله نمایند و تبلیغات و مبارزه بر علیه دولت طرف دیگر نکنند . مستخدمین خود را در خاک متعاهد دیگر از اینگونه عملیات اکیداً ممنوع خواهد داشت.

اگر اتباع یکی از طرفین متعاهدین در خاک متعاهد دیگر اقدام بعملیات تبلیغات و مبارزاتی که مصادر امور آن مملکت آنرا منع نموده باشد بنماید دولت آن مملکت حق خواهد داشت مرتکبین را بمجازاتهای مقرر رسانیده و از عملیات آنها جلوگیری نماید. همچنین باعتبار فصول مذکوره در فوق طرفین متعهد میشوند در خاک خود از تشکیلات و عملیاتی که ذیلا شرح داده میشود تقویت نکرده و جلوگیری نمایند .

اولا از تشکیلات و دستجاتی که قطع نظر از اسم و عنوان آنها قصدشان مبارزه بوسیله عملیات تجاوزکارانه یا بلوا یا سوء قصد بر علیه دولت طرف متعاهد دیگر باشد.

ثانیاً از تشکیلات و دستجاتی که خود را بنام دولت تمام متعاهد دیگر یا يك قسمت از آن معرفی مینمایند و همچنین قصدشان مبارزه باوسایل مذکور در فوق یا دولت متعاهده دیگر بوده و آسایش صلح متعاهد دیگر را متزلزل مینماید و سوء قصد نسبت بنمایت ارضی متعاهد دیگر دارند بنا بر مراتب مذکور در فوق طرفین متعاهدین همچنین متعهد میشوند که تجهیزات نفرت و رود قوای مسلحه و اسلحه و مهمات جنگی و هر نوع مواد حربی را بخاک خود برای تشکیلات و دستجات مذکوره در فوق ممنوع بدارند .

از فصولی که از معاهده تأمینیه و بیطرفی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی نقل کردیم بخوبی واضح و هویدا است که هر عملی دولت اتحاد جماهیر شوروی از شهریور ۱۳۲۰ باینطرف کرده تماماً بر خلاف امضاء و تعهد او بوده است .

بموجب فصل دوم از این معاهده دولت اتحاد جماهیر شوروی حق نداشته است در حمله بایران با انگلیس همکاری و شرکت کند و کرده است و نیز این فصل صراحت دارد که او بهیچ اسم و هیچ بهانهئی حق ندارد بمملکت ما لشکر بکشد و از آن استفاده نظامی بکند . بموجب فصل چهارم تمام مساعداتی که به پیشه وری و دموکراتهای آذربایجان کرده

و تمام تبلیغاتی که الان در داخله مملکت ما و داخله مملکت خودش بر علیه ما میکند عهد شکنی است و جز اینکه ما ضعیفیم و اوقوی هیچ مجوزی نداشته و ندارد .

همانطوریکه دوات اتحاد جماهیر شوروی حق دارد که هر یک از اتباع ما چه رسمی باشند و چه غیر رسمی اگر این کارها را در خاک او کردند بگیرد و مجازات کند دولت ما نیز حق دارد که تمام اتباع شوروی را که در داخله ما بر ضد دولت و ملت ایران تبلیغات و مبارزه میکنند توقیف و مجازات کند و اگر من رئیس دولت بودم محققاً این کار را میکردم و چون دولت شوروی اعتراض میکرد يك نسخه از این قرارداد را در جواب ارسال میداشتم. اگر اتباع یکی از طرفین متعاهدین در خاک متعاهد دیگر اقدام بعملیات تبلیغاتی و مبارزاتی که مصادر امور آن مملکت آنها را منع نموده باشند بنمایند دولت آن مملکت حق خواهد داشت مرتکبین را بمجازاتهای مقررده رسانده و از عملیات آنها جلوگیری نماید . این عین عبارت قرارداد است که از نسخه فارسی نقل میکنم و هیچ شبههائی باقی نمی گذارد که ما و شوروی حق داریم اتباع یکدیگر را در خاک خود از تبلیغات و مبارزات جلوگیری و در صورت لزوم توقیف و مجازات کنیم.

ولی دولت اتحاد جماهیر شوروی بقدری یکطرفه قضاوت میکند که بما حق نمیدهد ماجراجویان و مزدوران و جاسوسانی را که اتباع خودمان هستند هم در داخله خود توقیف کنیم و حتی اگر آنها جنایت بکنند داد گسترتری ما را تحت تهدید و تخویف و تبلیغات رعب انگیز قرار میدهد که محکمه جرئت نکند آنها را محکوم سازد .

دولت اتحاد جماهیر شوروی بقدری ما را تحقیر میکند که اصلاً موجودیت برای ما قایل نیست و معتقد است که ما اصلاً حق نداریم نام حق خود را ببریم یا از وجود خود دفاع کنیم و با نام سند و حقوق بین المللی و قرارداد و دادگاه و داوری بیاوریم و بهر ایرانی که این کار را بکند مزدور انگلیس و یا آمریکا میگوید .

چنانکه خود من یکی دو بار در روزنامه و یکی دو بار هم در مجلس اشاره به این قرارداد داد و نامه که ماده ۶ قرارداد ۱۹۲۱ را تفسیر می کند کرده ام يك شهادتیه ی مسکو بر نامه خود را اختصاص به دشنام به من داده و از آن جمله گفته است که فلانی برای خاطر آمریکائی ها می رود در آرشو دولت میگردد و سند پیدا می کند .

یعنی او طوری خود را بتجاهل می زند که می خواهد بگوید در دنیا اصلاً يك ایرانی که حرف ایران داشته باشد وجود ندارد ایرانی اسلامزدور است اگر مزدور من نبود حتماً مزدور حریف من است و شما اگر از اول تا آخر به تاریخ عالم نگاه کنید خواهید دید که

هیچ ملتی تاکنون ملت دیگری را تا این اندازه تحقیر نکرده است .

خوب رفقای عزیز ، من ایرانی هستم وقتی دیدم يك دولتی برای فشار به مملکت بهانه جوئی می کند وظیفه خود می دانم که اگر سندی برای رد بهانه او پیدا کردم بیرون بیاورم شما یا بگوئید این سند درست نیست و یا قبول کنید و یا بگوئید ما زور را بالاتر از سند می دانیم . چرا دیگر من برای خاطر آمریکا آن سند را پیدا کرده ام ؟ مگر موضوع صحبت کشور آمریکا بوده و در آن سند نامی از آمریکا برده شده است ؟ یا آمریکا برای خاطر من دفاع از خود می کند که من برای خاطر آمریکا دفاع از ایران بکنم ؟

آیا معنی این تهمت این نیست که هیچ ایرانی برای خاطر ایران هیچ کاری نمی کند ؟ آیا این منتهای تحقیر يك ملت ضعیف نیست و یا این جنگ آزادی ملل برای این بود که دول قوی اصلاً موجودیت ملل ضعیف و شرافت نفس افراد آنها را نیز منکر شوند ؟ من سراًحتاً میگویم که همانگونه که هر ایرانی با یکذره تسلط یا يك وجب تصرف روسیه در ایران موافقت کند خائن و بی شرف است با تسلط هراجنبی دیگری موافقت کند چه آمریکا باشد و چه انگلیس نیز خائن و بی شرف است .

در کیش میهن پرستی و استقلال و خودمختاری روس و انگلیس و آمریکا وجود ندارد ولی اگر هر کدام از اینها پا پیش گذاشته بخواهند مقاومت ما را تعبیر به نوکری دیگری بکنند تقصیر ما نیست مربوط به قدرتی است که ضعیف و قوی و ظالم و مظلوم خلق کرده است . با این منطق عجیبی که دولت اتحاد جماهیر شوروی پیش گرفته هیچ نحو صحبت و مباحثه و استدلالی با او نمی توان کرد یا هر چه او گفت تسلیم بشو و یا نوکر يك دولت دیگری هستی و باتکای اوس سیاست خصمانه پیش گرفته ای حالا آن دولت را باب تو کیست بسته به اینست که او برایت تعیین کند اگر آلمان قوی بود آلمان است اگر ژاپن بود ژاپن است اگر انگلیس قوت داشت انگلیس است و اگر آمریکا قویتر شده آمریکا است .

خلاصه تو خودت نوکر خودت نیستی مگر اینکه هر چه او گفت تسلیم بشوی و مکابره نکنی .

اگر گفت آذربایجان ملت دیگری است بگو بله نیروی من در ایران باقی بماند بله نفت شمال مال من است بله آمریکا در ایران مخازن زیر زمینی ساخته بله ، ایرانها همه شان نوکر انگلیس و آمریکا هستند بله کارگران شیلات با روزی ۱۷ قران خوشبخت تر از کارگران نفت جنوبند و شیلات برای نفع پتی است بله . خدا نکند در یکجا بگوئی اینطور نیست و اینهم سند که فوراً مزدور امپریالیسم میشوی و آن سند هم اربابان تو بتو داده اند و آنوقت دیگر مسلماً او حق دارد سرت را تخمق کند .

بموجب این منطق هجوم ، سیاست خصمانه نیست دفاع سیاست خصمانه است و تشبیه ضعیف برای بقای خود در مقابل قوی گناهی است که هم آدم را نابود و هم بدنام و تنگین می کند .

فراموش نمی کنم که بعد از جنگ بین المللی اول که هندیها شوریدند انگلیسها هر روز عده ای را می کشتند يك روزی که دادگاه چند نفر را محکوم باعدام کرد رئیس دادگاه نطقی کرد و گفت این محکومین مردم شریف و مجاهدی هستند که برای نجات میهن و آزادی ملت خود جهاد می کنند ولی ما هم وظیفه می داریم که باید انجام دهیم پس هر يك از ما دو طرف وظیفه ملی خود را انجام داده است .

چقدر فرق است بین این منطق و منطقی که میگوید هر کس تسلیم اراده و مطامع من نشد مزدور رقیب من است .

این یادداشت اخیری که دولت اتحاد جماهیر شوروی به دولت ایران داده بقدری درزش باز است که تمام حقایق از لای آن هویدا است .

اگر اتحاد جماهیر شوروی قبل از این بهانه جوئی ها نکرده بود اگر داستان پیشه‌وری و آذربایجان بمیان نیامده بود اگر صحبت میلیونها طلا و ذخائر ما را که برده ، نشده بود اگر تا حالا بهانه جوئی نکرده بود و انواع تهمت و افترا به دولت و ملت ایران نرزه بود اگر هر کس برای تخلیه ایران از نیروی اجنبی قدمی برداشت او را بیاد فحش و ناسزا نبسته بود اگر تمام اینها دور نفت دور نمی زد و تا قوام السلطنه وعده نفت می داد بزرگترین سیاستمداران عصر حاضر نبود و بعد از آنکه مقاله نامه نفت در مجلس رد شد قوام السلطنه به روپاه محیلی که جلوی «جرج آلن» پوزه بزمین می مالده بدل نشده بود همیشه گفت که تجدید قرارداد مستشاران آمریکائی و گفتگوی خرید اسلحه از آمریکا ممکن است برای او ایجاد سوء تفاهمی کرده باشد .

بعضی از خبر گزارهای خارجی میگویند که روسیه از گزارش کمیسیون مجلس عوام آمریکا راجع به لزوم کمک بایران نگران شده است .

اگر اینطور است پس چرا بزور می خواهد ما را در دامن آمریکا بیندازد ؟ چرا رویه اطمینان بخشی نسبت بما پیش نمیگیرد که ما مجبور نشویم بمقاد الفریق یتشبت بکل حشیش عمل کنیم ؟ فشار او که بیشتر ما را مجبور می کند که خود را به يك دولت قوی دیگری بچسبانیم .

این طبیعی بشر است که وقتی از يك سمت آتش می آید خود را بسمتی بکشد که آتش نیست یا لاقل دور تر است .

وقتی يك دولتی ملت ضعیفی را پیوسته تهدید و تخویف میکند و میگوید متابعت را

بده ایالات را بده کشورت را قطعه قطعه کن و جدا جدا آن را بمن بسیار و دولت دیگری می گوید: چون مصلحت من در بقای توست حاضرم بتو کمک بکنم طبیعتاً آن ملت ضعیف چه خواهد کرد خود روسیه در قبال هجوم آلمان چه کرد آیا بهمین انگلیس و آمریکانچسبید و از ایشان کمک نگرفت آیا آمریکا و انگلیس برای خاطر چشم و ابروی روسیه باو کمک کردند؟ خیر برای مصلحت خودشان بود و آیا شرعی در دنیا هست که استمداد از آمریکا را در هنگام خطر برای روسیه حلال کند. ولی برای ایران حرام سازد؟

اگر روسیه راست می گوید که میترسد ما وارد بلوک آمریکا گردیم و برای ما وزنی قایل است، باید به ما اطمینان بدهد. که از جانب او برای ما خطری نیست. ما اگر از طرف او اطمینان حاصل کنیم مرض نداریم که برضد او وارد يك دسته بندی سیاسی شویم.

مگر ما از نیروی خود او خبر نداریم مگر ما نمیدانیم که اگر جنگی شد تا حریفان او بمبارند ما رفته ایم مگر شاعر فیلسوف و نویسنده اجتماعی مانگفته است تا تریاق از عراق آورند ما رگزیده مرده باشد.

پس کدام عقل و کدام منطق ما را وادار می سازد که وارد يك دسته بندی سیاسی گردیم که صد درصد بمرگ آبی ما تمام می شود ولی همسایه گرامی ما يك چیز بداند و بحرهای جاسوسان خود در ایران گوش ندهد و آن اینست: که ترس مرگ ما را وادار به تسلیم در مقابل مرگ نمیکند.

ما مثل آن درازگوشی نیستیم که وقتی شیر را دید خودش را بروی او پرت می کند و جلو او میخوابد که او را ببرد. ما هر چه باشیم از آن حشره کوچکی که جلوه نیروئی میایستد و تا دم مرگ از لانه خود دفاع می کند کمتر نیستیم.

يك ما کیان وقتی جو جگان او مورد تعرض قرار بگیرند چگونه بالهای خود را میافشاند و حمله می کند يك سگ وقتی به لانه او نزدیک شوند چنان بمقاومت بر می خیزد يك گر به چنان بر اقامی شود و از خود و عائله خود دفاع میکند ملت ایران بقدر این حیوانات غیرت و حمیت ندارد؟ و باید انگلیس و آمریکا یا آلمان باو یاد بدهد که میهن و آزادی و استقلال خود را دوست بدارد.

من تصور می کنم موجب اشتباه عمال شوروی در ایران چند نفر هوچی و مزدور شده اند که برای تملق بایشان هرا هانتی بملت ایران بکنند و هر بلائی بسر کشور ایران بیاورند ابراز اشمئزازی نزد ایشان نمی کنند و نام آنرا آزادی میگذارند و ایشان خیال میکنند که تمام ملت ایران از همان قماشند. (ناتمام)